

## جلسه دوم کودک متعادل

### « رشد »

در آخر کودک آرزوها پرسیده شد که «چرا کودک متعادل می خواهیم ؟»

در این جلسه مادران پاسخ دادند : برای آرامش و آسایش خودمان ، به او اقتدار کنیم ، جهان سعادتمند شود ، کودک متعادل باشد تا لذت واقعی زندگی را بچشد ، به هر هدفی که می خواهد برسد و ما خوشحال شویم ، چون خودمان متعادل نیستیم کودکان متعادل باشد و .....

آقای سلطانی :

تا وقتی خودمان متعادل نباشیم محال است کودکان متعادل شود . در این پاسخها تنها چیزی که نمی بینیم ، خودمان هستیم

هیچکدام اینها دلیل اصلی نیستند . بهتر است بررسی کنیم چرا ما بچه دار می شویم ؟

پاسخ مادران : برای تجربه مادر شدن ، پیروی از ریتم زندگی

آقای سلطانی : مادو تصمیم مهم در زندگی مان می گیریم ، ازدواج و بچه دار شدن . جالبه که هیچ وقت هم نمی دانیم که چرا این دو کار را انجام میدیم . وقتی نمیدانیم چرا بچه دار میشیم طبیعتاً هم نمی دانیم که چرا کودک متعادل می خواهیم .

کودک به سه دلیل به زندگی ما باید بیاید :

دلیل اول : کودک میاد تا شادمانی به زندگی ما بیاره . بچه دار شدن در راستای ازدواج صورت می گیره که ازدواج خود يك امر مقدس است و کودک میاد که شادمانی ازدواج را کامل کند و به آن تداوم ببخشد .

دلیل دوم : به عنوان امانت خدا میاد . هر انسانی قائم مقام خدا بر روی زمین است . کودک به عنوان امانت میاد که پدر و مادر او را پرورش دهند و به يك قائم مقام بالفعل تبدیل کنند و امانت داری کنند .

دلیل سوم : کودک میاد که بگه رشد ادامه داره ، اگر تو میخواهی مرا رشد و پرورش دهی اول باید خودت رشد کنی .

ما کودک متعادل می خواهیم تا فکر کنیم ، تفکر داشته باشیم که کودک متعادل چیه ؟ چي کار باید بکنیم ؟ اول خودمان به تعادل برسیم بعد بریم سراغ پرورش کودک متعادل . کودک آمده که شما رشد کنید . او عامل رشد والدین است . همانطور که ازدواج يك مرحله رشد است .

متأسفانه در جامعه ما بخصوص در مادران فداکار این نگاه وجود ندارد . بعنوان مادر اول باید خودتان را ببینید . اگر خودمان به تعادل نرسیم کودکان به تعادل نمی رسد . کودک متعادل کودکیه که رشد متعادل دارد . محور کار ما تا آخر این جلسات رشد متعادل است .

رشد یعنی چه ؟ رشد یعنی تغییر ، تغییر در جهت مثبت . حرکت به سمت کمال . این حرکت يك نیرو دارد یعنی رشد نیروی محرکه دارد . به این نیرو سابق گفته می شود . سابق یعنی سوق دهنده و ترجمه کلمه انگلیسی Drive است .

کودک باید رشد کند . این باید ، باید زور نیست بلکه سابق است . کودک هر لحظه در رشد است . سابق نیروی محرکه رشد است و این سابق در کودک بسیار قوی است .

تفاوت رشد با نمو : رشد غیر مادی است ، عقل ، ذهن ، عواطف رشد می کنند . نمو مادیت است ، مغز و جسم نمو می کنند .

يك مخروط سه بُعدي را به عنوان نمودار رشدو نمو انسان در نظر مي گيريم نوک تيز اين مخروط روي زمين و دهانه باز آن رو به هوا است . اگر اين مخروط را به ۴ قسمت تقسيم کنيم از پايين اولين قسمت آن مرحله نباتي است . در اين مرحله گياه و حيوان و انسان با هم مشترکند . گياه از زمين و خاک تغذيه مي کند . منشأ همه ما از خاک است و همه ما از خاک تغذيه مي کنيم .

وقتي گياه از خاک تغذيه کرد نمو مي کند بالا مي آيد و به ثمر ميرسد . در اين مرحله مأموريتش تمام ميشود و به حد تکامل مي رسد . حد تکامل گياهان اين است که توسط انسان يا حيوان خورده شوند . اگر در حد تکامل خورده نشود مي گندد و تجزيه مي شود ، برمي گردد به خاک .

قسمت دوم مخروط مرحله حيواني است . حيوان و گياه يك فصل مشترك دارند يعني گياه در بالاترين مرحله با پايين ترين مرحله حيواني شبیه به هم هستند . تغذيه ، نمو و ثمر را حيوان هم انجام ميده فقط شکلش فرق ميکند . حيوان از نظر نمو کاملتر از گياه است . گياه از جاش تکان نمي خوره اما حيوان حرکت ميکند . حيوان دو عامل دارد که در گياه نيست : کبد و مغز

کبد براي جسم و مغز براي هدايتش . اطلاعات گياه خيلي ابتدائي تر است . اين اطلاعات در بذر هست ، در ساقه و گل تمام ميشود . اطلاعات حيوان در مغزش است و غرايش را کنترل مي کند . توجه به کبد خيلي مهم است که در جلسات بعد به آن مي پردازيم . حيوان مغز دارد پس يك مرحله بالاتر از گياه است . شبکه عصبی و حواس پنجگانه دارد . ذهن خيلي کوچکی دارد ، يادگيري و احساسات هم دارد که همه اينها محدود مي شود به غريزه . خود آگاهی ندارند با غريزه کنترل مي شوند . برنامه ها از قبل توي مغز آماده شده و خلاف آن نمي توانند رفتار کنند .

آيا در حيوانات حيات وحش تا بحال پرنده اي چاق يا بيري چاق ديده ايد يا تا بحال گربه سيگاري ديده ايد ؟ محاله چون همه چيز در مغز از قبل برنامه ريزي شده و حيوان مطابق آن عمل مي کند . مأموريت حيوان چيه ؟ خيلي محدوده ، در حد تغذيه ، نمو و توليد مثل و حرکت . با خوردن و يا خورده شدن به چرخه طبيعت کمک مي کنند و وظيفه شان را انجام ميدهند .

قسمت سوم مخروط که به دهانه آن نزديک تر است مرحله انساني است . حيوانات در بالاترين سطحشان به پايين ترين سطح انسان شبیه اند . مثل يادگيري حيوانات در سيرک . خيلي تأسف باره که ما براي آموزش بچه هايمان از اين مرحله استفاده مي کنيم ، مرحله اي که حيوانات را با آن آموزش مي دهند ، خيلي از روشهاي ما همون روشهايي است که در سيرک استفاده ميشود .

اولين بخش مرحله انساني ، ذهن است . يکي از مسائل ما اينه که قدرت پردازش مغز کودکان بالا برود . وقتي از روشهاي سيرک استفاده مي کنيم يعني از پايين ترين سطح ذهن کودک استفاده مي کنيم و مانع تقويت قدرت پردازش مغز کودک مي شويم .

انسان ناطق دارای ذهن است و شامل اين خصوصيات است :

علم ، فکر ، ذکر ، صبوري ، هوشیاري

علم يعني : آموختن ، يادگرفتن      فکر يعني : مهارتهاي فکري      و      ذکر يعني : باز بيني

ما گفتيم رشد يك تغيير است ، يك حرکت است از مبدأ به مقصد . مبدأ رشد در همه موجودات يکي است و نوک مخروط است ، مقصد رشد بي نهايت است و دهانه مخروط است . اگر در ميان مخروط يك محور عمودي فرض کنيم ، اين محور که از زمين شروع مي شود و به سمت بي نهايت بالا ميرود جهت حرکت را نشان ميدهد . رشد حول اين محور صورت مي گيرد . مرحله نباتي و حيواني چون مراحل غريزي هستند کاملاً حول اين محور و در مسيري که تعيين شده حرکت مي کنند

در مرحله حيواني به بعد ، انسان علاوه بر غريزه فطرت دارد مي تواند انتخاب کند . گياه و حيوان انتخاب نمي کنند مي روند تا مأموريتشان تمام شود ولي مأموريت انسان تمام نمي شود . هدف نهايي انسان بي نهايت است . انتخاب مي

کنیم می توانیم برویم می توانیم نرویم ، می توانیم عالم شویم یا نشویم ، فکر کنیم یا نکنیم . ولی اگر انتخاب کردیم ذهن نقشه راه می -خواهد که بتواند چک کند در مسیر هستیم یا نه . یکی از کارهای ذهن اینه که به ما کمک میکنه تا ما بتونیم خودمون و مسیرمون رو بازنگری کنیم .

برای مثال اگر بخواهیم از تهران به سواحل خلیج فارس برویم ، به یک نقشه راه نیاز داریم که بتونیم مبدأ تا مقصد را بازبینی کنیم و ببینیم از کجا به کجا باید برویم ، از چه شهرهایی عبور خواهیم کرد . از طریق ابزار و علم و فکر خودمان بررسی می کنیم که در مسیر هستیم یا نه ، این عمل ذکر است . ذکر یعنی بازبینی . ذکر استفاده از آگاهی است .

یکی از قدرتهای مغز انسان همین است که می تواند کنترل کند مسیر رشد هست یا نه ؟ و این همان آگاهی است . آگاهی یعنی از بالا نگاه کردن ، کل را دیدن . دیدن اینکه من دارم در مسیر درست حرکت می کنم ؟

با دانایی وارد عمل می شویم ، رانندگی بلدیم ، مسیر را بلدیم ، می دانیم کجا غذا بخوریم ، کجا بایستیم ، اینها همه دانایی است . این ها تفاوت اصلی انسان با حیوان است . انسان باید رشد کند و بالا برود .

برای اینکه از تهران به سواحل خلیج فارس برسیم صبوری لازم است . ما در رشد جهش و پرواز نداریم . رشد مرحله به مرحله است . یکی از خصوصیات رشد صبوری است چون تمام نمی شود ، نهایت آن بی نهایت است . یکی از معضلات امروز ما و جامعه تعجیل است . صبوری از خصوصیات ذهن انسان و از مهارتهای زندگی است .

بچه های ما صبوری ندارند ، حتماً روی آن کار خواهیم کرد و خواهیم گفت که تعریف صبوری چیه ؟ و بچه های ما چگونه باید صبوری داشته باشند . مأموریت این کلاسها نگهداشتن بچه ها در مسیر رشد و انسان ساختن است .

قسمت آخر مخروط که دهانه به بالا است مرحله انسان الهی است که موضوع دوره ما نیست و به آن نمی پردازیم . براین مسئله تأکید می کنم چون متأسفانه در حال حاضر در جامعه ما با پدیده عرفان تقلبی رو به رو هستیم . این عرفان داره تلاش می کنه که بدون گذراندن مراحل نباتی و حیوانی و انسانی مردم را مستقیم به مرحله الهی بیره ، ساده انگاری به وجود بیاره .

ساده انگاری در پرورش کودک بسیار خطرناکه . کار با کودک یک کار راهبردی ، استراتژیک و بلند مدت است . نگاه بلند مدت باید داشته باشیم ، از یک نظام پیروی کرد نظامی که این سه مرحله را با هم در نظر داشته باشد . هر کدام از این سه مرحله در جای خود با اهمیت هستند . بدون پرداختن به آنها نمیشود یکپو پرید به بالا و این به همون اندازه خطرناکه که ما بچه هارو در آخرین مرحله انسانی متوقف کنیم و بگیم بالا خبری نیست این کار را نمی کنیم . ما می گیم بالا خبری هست اما خودت باید بروی و پیدایش کنی.

ما در مقابل بچه هامون مسئولیم اما فقط تا سر خط مرحله الهی از اونجا به بعد مسیری است که هر کسی خودش باید برود .

تمام اون خصوصیات که در کودک آرزو ها بررسی کردیم و خیلی هاشون رو دور از دسترس می دونستیم ، بعضی هاشون در مرحله انسانی بود ، بعضی شون هم در مرحله انسان الهی که خصوصیات این مرحله را خودشان باید پیدا کنند . ما بچه هامون رو از مبدأ می بریم لب ساحل مسئولیت ما تا این حد است بعد از آن به دریا زدن با خودشان است . وظیفه ما اینه که بگیم راه بسته نیست انتهای بی نهایته از اینجا به بعد دیگه مسئولیتش با خودته .

رشد ایجاد کردنی نیست . بچه ها برای رشد اصلاً نیازی به کمک ما ندارند . این تصور غلطه که ما باید اورا به جایی برسانیم یا باید چیزی بهش بدهیم . هیچ چیزی نمی توانید به بچه هایتان بدهید ، ما هیچ چیز را بوجود نمی آوریم چون کودک همه چیز دارد ، نوزاد وقتی به دنیا میاد همه چیز رو با خودش میاره فقط نیاز به حمایت دارد . ما به عنوان پدر و مادرهای فداکار فقط باید لطف کنیم و آنها رو از مسیر منحرف نکنیم .

در رشد پرورش می دهیم مثل باغبانی که دانه ای می کارد این دانه همه چیز با خودش دارد و رشد میکند اما کاملاً به حمایت باغبان نیاز دارد

نگاه این دوره نگاه کلی نگر است . نگاه کوانتومی است . انسان ، جهان و هستی را یکپارچه می بیند . در مقابل آن نگاه نیوتنی است که جزئی نگر است و بر پایه فیزیک مکانیک نیوتن است . چون ذهن های ما نیوتنی است ، مراحل رشد را در ابتدا جزء به جزء توضیح دادیم . اما نگاه دوره دراصل کلی است و در رشد همه ابعاد کودک را در نظر می گیرد .

در مسیر رشد سرعت داریم ، جهش نداریم . رشد بسیار نظام مند و قانونمند است . مرحله به مرحله است . در رشد سه عامل مؤثر است :

#### ۱- استعداد

#### ۲- خصوصیات

#### ۳- محیط

استعدادها از مبدأ آفرینش ، از خلقت مستقیم میاد و به همه یکسان داده می شود . زمانی که روح دمیده می شود از عالم بالا استعداد به همه تعلق می گیرد . در روان شناسی مثل معروفی هست که میگوید : « اگر انسانی کاری را میتونه انجام بده ، پس همه انسان ها می توانند آن کار را انجام بدهند » یعنی همه ما بالقوه دانشمند هستیم یا همه ما بالقوه آدم کش و ..... .

ما استعداد شر نداریم . ما ذات ناپاک نداریم . اون چیزی که از عالم بالا میاد پاک و مقدسه ، به همه داده میشه ، یک امر قدسیه ، در روایات دینی ما به اسماء الله معروفه . صفات خداوند است و بالا ترین ها به انسان داده شده .

رشد یعنی تجلی استعدادها . در گیاه به نوعی تجلی میشه ، در حیوان به نوعی دیگه و در انسان هم به نوعی دیگر .

به همین دلیل گفتیم که کودک آرزوها و کودک دلخواه و متعادل اصلاً دور از دسترس نیست چون همه بالقوه متعادل هستند به شرط اینکه همه ابعاد با هم رشد کنند .

خصوصیات – شامل ژن و وراثت می شود ، در افراد متفاوت است . خصوصیات در طول زمان از پدر و مادر به ما می رسد . این که ما می گیم ژن از پدر و مادر میرسه در واقع از عمر هستی میاد . ما از خاک تغذیه می کنیم ، پدر و مادر ما هم از خاک تغذیه می کردند ، پیشینیان ما هم از خاک تغذیه می کردند . این صفت و اطلاعات از عمر هستی می آید .

خصوصیات دو دسته اند : خیر و شر هستند . خیلی هم در کنترل ما نیستند . در این حد می دانیم که هم خیر ند هم شر ، هم فضیلت هم ردیلت . هر دو هست عیبی هم نداره چون بالقوه هستند .

محیط – ما با تغییر محیط می تونیم روی خصوصیات اثر بگذاریم . شر رو کم کنیم ، خیر بالاتر بره ، رفتارها درست بشه در نتیجه کمک کنیم استعدادها شکوفا بشوند . چون استعداد همه اش خیره . کافیه که ما بتونیم جلوی بخشی از شرها رو بگیریم ، قرار نیست ما خصوصیات را یکسره تبدیل کنیم به خیر کامل و بچه های ما یکسره متصل بشن به معصومین .

قراره که در مسیر رشد خود ما به تدریج و آرام تغییر کنیم ، با تغییر خودمون محیط خانواده مون تغییر کنه و با تغییر محیط خانواده بخش بیشتری از استعدادها شون شکوفا بشه . قرار نیست بلافاصله بعد از ما بچه های ما بی نظیر شوند . آنها همونی می شوند که ما هستیم . ما فقط می توانیم محیط را طوری سازماندهی کنیم که رذائل موروثی ما کنترل بشه و فضائل موروثی ما رشد پیدا کنه و استعدادها متجلی بشوند . این مسیر رشد است .

رشد معنی دیگرش شکوفایی است ما محیط گلخانه را آماده می کنیم ، ریشه را تغذیه می کنیم تا گلها شکوفا شوند و کودک شکوفا شود . به این دلیل گفتیم که ما ایجاد نمی کنیم ، پرورش می دهیم . مگه باغبان گل درست می کند ؟ باغبان گل پرورش میدهد . ما به جای اینکه کمک کنیم تا کودک از اولین مرحله نیازهای جسمی و روحی اش تأمین

شود تا به همه نیازهایش برسد ، می‌آییم به زور غنچه را وادار به باز شدن می‌کنیم ، کلاسه‌های جورو اجور، فشار برای آموزش ، فشار برای تغذیه و ..... تا حالا کدوم باغبان را دیده اید که چوب بردارد و برود سراغ گلها که زود باشین باز بشین !

رویکرد هوش متعادل می‌گه به طبیعت نگاه کنیم ، نظام آفرینش رو بفهمیم و بر پایه نظام آفرینش حرکت کنیم . در شکوفایی کامل ، تعادل برقرار می‌شود . وقتی فقط روی یک بُعد تمرکز باشه تعادل بهم می‌خوره و مسیر رشد منحرف میشه ، به بیراه میره . از کجا بفهمیم ؟ از حالمون . خوشحالیم ؟ سرحالیم ؟ این همه تکنولوژی رشد کرده ، به آرامش رسیدیم ؟

فقط در مسیر تعادل آرامش بدست میاد . در مسیری که همه ابعاد رشد کند . غرایز مرحله گیاهی و حیوانی را نمی‌شود نادیده گرفت و یکسر رفت سراغ مراحل بالا .

ما از زمین و آسمان انرژی می‌گیریم . انرژیهای قسمت نوك تیز مخروط كوچك و متراكم هستند . هر چه که به سمت بالا می‌رویم وبه دهانه مخروط نزدیک می‌شویم رقیق تر میشن . اگر به بالا نرویم و در پایین بمانیم انرژیها متراکم تر میشوند .

در دنیای قدیم وسنتی انرژیها محدود بود ، نون و آبی می‌خوردند و تولید مثلی هم می‌کردند ، انرژیها بسته بود . اطلاعات بسته بود ، نیروی سائق کمتر بود . به همین دلیل در فضای كوچك نوك مخروط راحت تر بودند . وقتی که ما انرژیها رو آزاد می‌کنیم ، گردش اطلاعات ، تغذیه ، .... انرژیها آزاد می‌گردند بنابراین مسیر رشد باید باز باشه . اگر مسیر رشد بسته باشه و انرژیها هم بالا بره انفجار صورت می‌گیره ، یعنی وقتی نمی‌تونیم بریم بالا می‌آییم پایین . دهانه مخروط رو به زیر زمین می‌رود . نیازهای مادی بالا می‌رود و غرق دنیای مادیت می‌شویم .

دنیای مادیت محدود است . یک گل وقتی در گلدان است ریشه اش در خاک است خود گیاه بیرون گلدان در هوا رو به بالا رشد می‌کند . حال اگر ما یک درپوش روی گلدان بگذاریم گیاه برمی‌گرده توی گلدون و خاک . تا وقتی نیروها هست رشد ادامه دارد و هیچ نیرویی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد اونوقت جامون کوچیکه ، به همدیگه فشار می‌آوریم ، همدیگر رو آزار میدیم، رقابت و حسادت بوجود میاد . چون منابع زمین محدوده فقط اون بالاست که نامحدوده . توان انسان برای یک نامحدوده نه برای یک محدود . این قانون آفرینش است .

اگر ما می‌خواهیم کودک پرورش بدهیم باید الفبای آن را بدانیم . این الفبای آفرینش است که قرار نیست برگردیم به گلدون . از گلدون تغذیه می‌کنیم ، ولی رشد جای دیگر است . اگر مسیر را مشخص نکنیم و نقشه راه نداشته باشیم ، رشدی در کار نخواهد بود .

یک موقع هست که مواد غذایی گلدون کمه ، همه چیز کمه ، گل همون جا می‌ماند و می‌پلاسد . اما یک موقع هم هست که ما همه چیز رو کامل داریم ، بچه‌های ما الان چه از نظر جسمی و چه از نظر اطلاعاتی دارن تغذیه می‌شوند و همه چیز دارند پس والدین برای پرورش صحیح باید مسیر مشخص و نقشه راه داشته باشند .

ما در بچه‌ها داریم ذهن را پرورش می‌دهیم و شبکه عصبی را گسترده می‌کنیم ، اگر جهت نداشته باشه خطرناکه . چه معنی داره که در دانشگاه اعتیاد باشه ؟ چون از کودکی گفته نشده که مسیر برای بالا رفتن بازه .

در حال حاضر در خانواده‌های ما در مورد کودکان چی می‌گذره ؟ فقط نگرانی ! این خلاف آفرینشه ، مگر کودک آمده که ما را نگران کنه ؟

دنیای مدرن راه این مسیر را بسته و ما از بستر آنها داریم تبعیت می‌کنیم . آن چیزی که ما در سنت مان داریم بالا رفتن در این مسیر است .

سه مرحله اول مهم و با ارزشند ( نباتی ، حیوانی ، انسانی ) تا ما این مراحل را با موفقیت نگذرانیم ، نمی‌توانیم وارد مرحله الهی شویم . ما در این مراحل مهارت نداریم . ما با تغذیه کودکان مشکل داریم ، با خواب او مشکل داریم ، با نظافتش و با بازی کودکان مشکل داریم .

قدم به قدم باید جلو برویم این سه مرحله مهم و ارزشها و مهارت ها را بشناسیم تا بتوانیم کمک کنیم فرزندانمان خوب رشد کنند .  
رشد ایجاد همیشه ، هست ، مانع نشویم .